

«شرق» بررسی می‌کند

احیای روابط ایران و امارات در سایه آینده مبهم مناسبات تهران–ریاض؟!

عبدالرحمن فتح‌الهی؛ ۲۴ تیرماه/۱۵ جولای ابوظبی بود که انور قرقاش اعلام کرد ابوظبی سفیر خود را به تهران می‌فرستد و می‌خواهد روابط خود را با ایران بازسازی کند. به دنبال این موضع‌گیری وزیر مشاور دولت امارات متحده عربی در سیاست خارجی شاهد آن بودیم که پنجشنبه هفته جاری حسین امیرعبداللهمان در یک گفت‌وگوی تلویزیونی بیان کرد به‌زودی سفير امارات در تهران به ایران خواهد آمد. این در حالی است که با وجود برگزاری پنج دور نشست در بغداد هنوز احیای روابط ایران و عربستان سعودی در هاله‌ای از ابهام به سر می‌برد؛ بنابراین با توجه به مناسبات عمیق ریاض و ابوظبی و همچنین همسویی کامل اماراتی‌ها با مواضع و محورهای سیاست خارجی سعودی‌ها این سؤال ذهن را درگیر می‌کند که چرا امارات متحده عربی برخلاف عربستان روبه احیای روابط با جمهوری اسلامی ایران را با سرعت هرچه تمام‌تر در پیش گرفته است؛ رویه‌ای که پیش از آن نیز در قبال سوریه نیز مشاهده شد و ابوظبی اولین بازیگری بود که نسبت به بازگشایی سفارت خود در سوریه، احیای روابط با دمشق و حتی میزبانی از بنشار اسد پیش قدم شد؟ از سوی دیگر باید این نکته را هم در نظر گرفت که امارات متحده عربی تنها کشور عربی خاورمیانه نیست که مواضعی درخصوص ازسرگیری روابط با ایران را مطرح کرده است؛ چراکه اردنی‌ها و پیش از آن نیز مصری‌ها از رغبت و تمایل خود برای ازسرگیری روابط با تهران منته‌ای نگفته‌اند. بیرو آنچه گفته شد، به همان میزان که احتمال دارد ابوظبی، امان و قاهره با اتخاذ سیاست مستقل از عربستان وارد کود احیای روابط با شده باشند، باید این امکان را در نظر گرفت که ازسرگیری روابط این کشورها با ایران می‌تواند پروژه‌ای با مدیریت سعودی‌ها باشد.

چرا امارات به دنبال احیای روابط با ایران است؟

فسارخ از اینکه تحولات منطقه خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس به واسطه ازسرگیری کامل روابط امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران و بازگشت مناسبات دو طرف به سطح سفیر چه تغییر و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به بخصوص آنکه در مذاکرات هسته‌ای با ازسرگیری روابط با تهران است تا جایی که هشت روز پیش انور قرقاش تاکید کرد که امارات متحده عربی بخشی از یک محور و ائتلاف علیه ایران نخواهد بود، حتی اگر اقدامات تهران در منطقه به تلاش‌های دیپلماتیک کمک نکند؛ سیدجلال ساداتیان در گفت‌وگو با «شرق» و در پاسخ به این سؤال ضمن اشاره به اینکه احیای روابط امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به بهبود مناسبات تجاری دو طرف بینجامد، تصریح کرد که ابوظبی در وهله نخست سعی دارد به واسطه ازسرگیری روابط با تهران عملاً مناسبات امنیتی خود را تقویت کند؛ چراکه تداوم جنگ یمن و حملات گاه و بی‌گاه موشکی و پهپادی انصارالله و حوثی‌ها، شرایط امارات را به لحاظ امنیتی، توریستی و سرمایه‌گذاری خارجی با مشکلاتی همراه کرده است. پس ابوظبی تلاش دارد در سایه ازسرگیری روابط با جمهوری اسلامی ایران فضای امنیتی را چه به لحاظ امنیت پیرامونی در منطقه خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس و مهم‌تر از آن امنیت داخلی در درون خاک امارات برای خود مساعد کند. با همه این تفاسیر ساداتیان در ادامه گفت‌وگوی خود با «شرق»، نکته مهم‌تری را برای چرایی اشتیاق وافر اماراتی‌ها در جهت ازسرگیری روابط با ایران مطرح کرد و در این راستا به تلاش ابوظبی با هدف تحقق و پیگیری یک سیاست خارجی مننون، منطقی و همه‌جانبه مرتبط با افزایش وزن دیپلماتیک امارات متحده عربی در منطقه و جهان اشاره کرد. بیرو نکته یادشده ساداتیان تشریح می‌کند که امارات متحده عربی پیش‌ازین به صورت تقریباً هم‌زمان، هم در سایه بیمان ابراهیم روابط سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و حتی نظامی، امنیتی و دفاعی‌اش را با اسرائیل در منطقه پیش برده است و هم ازسرگیری مناسبات با سوریه، تا جایی که به‌تازگی بنشار اسد میهمان اماراتی‌ها بود. با این حال ابوظبی برای اینکه وزنه دیپلماتیک منطقه‌ای و جهانی خود را تقویت کند، سعی دارد همین روابط جاری با اسرائیل و عربستان را در جبهه مقابل با جمهوری اسلامی ایران هم احیا کند تا از مواهب، منافع و منابع برقراری و ارتقای روابط با تمام این بازیگران در جبهه‌های مختلف امتیازات خود را کسب کند؛ کم‌اینکه مشابه این رویه از سوی قطری‌ها و عمانی‌ها نیز در این سال‌ها در دستور کار قرار گرفته است.



دارد؛ درصورتی‌که ریاض به‌خصوص بعد از ولیعهدی محمد بن‌سلمان همواره یک نگاه نظامی، امنیتی و دفاعی به همه مسائل دارد؛ پس اماراتی‌ها اکنون اختلافاتی جدی با عربستان سعودی در جنگ یمن پیدا کرده‌اند. با درنظرگرفتن این مسئله قطعاً نباید و نمی‌توان آثار مخرب تداوم جنگ یمن بر شرایط اقتصادی امارات را نادیده گرفت. به همین دلیل ابوظبی تلاش دارد با احیای روابط با ایران، ضمن برتری مناسبات و دیپلماتیک در این‌سبب جنگ (یمن)، شرایطی را فراهم کند که هزینه‌های آن برای امارات متحده عربی کاهش پیدا کند.

در پایان هفتمین کنگره حزب ندای ایرانیان مطرح شد

وزیر کشور دستور توقف فعالیت گشت ارشاد را صادر کند

سیدشهاب‌الدین طباطبایی دبیرکل حزب ندای ایرانیان شد

هفتمین کنگره حزب ندای ایرانیان پیش‌ازظهر دیروز برگزار شد که طی آن منتخبین کنگره هفتم حزب ندای ایرانیان برای شورای مرکزی با رأی ۳۵۷ نفر از اعضای اصلی حزب انتخاب شدند. بر اساس این گزارش، در اولین جلسه شورای مرکزی این حزب سیدشهاب‌الدین طباطبایی با کسب اکثریت آرا به‌عنوان دبیرکل حزب ندای ایرانیان انتخاب شد. پیش از این صادق خرازی دبیرکلی این حزب را بر عهده داشت. همچنین مجید فراهانی به‌عنوان رئیس شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان باقی ماند. در پایان کنگره قطع‌نامه پایانی که با هشدارهای سیاسی و اجتماعی همراه بود نیز قرائت شد. در بخشی از بیانیه پایانی کنگره حزب ندای ایرانیان آمده است: «هفتمین مجمع عمومی حزب ندای ایرانیان در شرایطی برگزار شد که چشم‌هایی نگران، به روابط بین‌الملل خیره شده، دل‌هایی شکسته و زنجور، افزایش محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی را نظارگر بوده و جان‌های بی‌لب‌پسیده اکثر دهک‌های جامعه همدرد نشده بر سفره‌هایی خالی، نگاه بی‌مقتان به تلاش دولت برای حل بحران معیشتی است. حزب ندای ایرانیان در سال ۱۳۹۳ با شعار محوری: «تعامل و مدارا، اصلاحات‌گام به‌گام و توسعه پایدار» یا به‌عرصه فعالیت‌های سیاسی گذاشت. اعضای حزب ندای ایرانیان هشت سال پیش دریافته بودند که اصلاح‌طلبی نیاز به اصلاحات دارد و ضروری است با پوست‌اندازی و تغییر برخی رویکردها، گام‌های جدیدی در مسیر اصلاح‌طلبی برداشته شود». در بخشی دیگر از بیانیه آمده است: «اکنون در آستانه نزدیک‌شدن به فصل پایانی چشم‌انداز بیست‌ساله و



این استاد دانشگاه در ادامه به دلیل مهم‌تری برای چرایی اماراتی‌ها در جهت احیای روابط با ایران اشاره دارد؛ بیگدلی عنوان می‌کند که امارات متحده عربی پروژه حضور و نفوذ در مذاکرات هسته‌ای را کلید زده است؛ یعنی همان‌گونه که پیش‌تر عمانی‌ها و قطری‌ها در سایه ازسرگیری روابط با جمهوری اسلامی توانسته‌اند با نقش میانجیگر، واسط و تسهیلگر در گفت‌وگوهای هسته‌ای خواسته‌ها، انتظارات و مواضع خود را در مذاکرات یکنجانند، اماراتی‌ها هم در تلاش‌اند یا خواسته‌های خود را در مذاکرات هسته‌ای با ازسرگیری روابط با تهران محقق کنند یا اینکه اساسا این مذاکرات را به شکست بکشانند.

چرا الان؟

پس از روشن‌شدن ابعاد و زوایای چرایی تمایل‌پرزنگ امارات متحده عربی برای ازسرگیری روابط با جمهوری اسلامی ایران، سؤال دیگری که باید به آن پرداخت به بازه زمانی فعلی این تلاش بازمی‌گردد؛ به‌خصوص آنکه در هشت سالگی که از عمر دولت یازدهم و دوازدهم گذشت، هم حسن روحانی و هم به شکل جدی‌تر محمدجواد ظریف سعی داشتند با ترتیبات منطقه‌ای، احیای روابط کشورهای حاشیه خلیج فارس را کلید بزنند که با انفعال، بی‌عملی و نوعی پاسخ منفی بازیگران حاشیه خلیج فارس روبه‌رو شد؛ اما پس از تحقق پروژه یکدست‌سازی قدرت و تقویت میدان در عرصه دیپلماسی باید پرسید چرا اکنون اماراتی‌ها، اردنی‌ها، مصری‌ها و حتی خود عربستان سعودی سعی دارند روابط را با دولت رئیس‌از سر بگیرند؟ بیگدلی پاسخ سؤال را مذکور با این‌گونه می‌دهد که بی‌شک تحولات سیاسی داخلی در هر کشور مهم‌ترین پارامتر در تعیین سمت و سوی سیاست خارجی آن کشور است. بنابراین اگرچه ما در انتخابات خرداد ۱۴۰۰ شاهد تحقق پروژه یکدست‌سازی قدرت و روی‌کارآمدن دولت رئیس‌جمهور بودیم، اما در عین حال همین مسئله (روی‌کارآمدن رئیس‌) سبب شد که کشورهای حاشیه خلیج فارس با شرایط جدیدی مواجه شوند. به این معنا که پس از خرداد ۱۴۰۰ فاصله بین «دولت» و «سیستم» در ایران به کمترین میزان خود رسید. بنابراین ریسک ازسرگیری روابط با جمهوری اسلامی اکنون نزدیک به صفر است؛ درحالی‌که گسل دولت روحانی، شانس شکست هرگونه تلاشی از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس برای ازسرگیری روابط با دولت یازدهم و دوازدهم بالا برده بود.

این استاد دانشگاه در ادامه تأثیر اقتضانات سیاست داخلی بر بن‌بست در سیاست خارجی ایران، به نکته مهم‌تری می‌پردازد و آن هم‌ناظر بر مانع تراشی‌های گروه‌های فشار در مسیر دیپلماسی دولت یازدهم و دوازدهم است. بیگدلی ادعان دارد، چه در داخل کشور و چه در سطح بین‌المللی روحانی در زمینه پوشیده نیست همان‌گونه که سیاست خارجی دولت روحانی بر همین بنجرام با کارشکنی، فشار و مانع‌تراشی در هشت سال حیات خود همراه بود. بی‌شک همین مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌های منتقدان دولت سابق در آن سال‌ها، حتی به شکل جدی‌تری در سیاست منطقه‌ای هم بی‌گرفته می‌شد. در نتیجه فضایی هم برای دولت روحانی در جهت احیای روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس، علی‌رغم تمام ادعاهای مثبت رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه سابق وجود نداشت و این واقعیتی بود که کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز به آن واقف بودند؛ پس تمایلی برای پاسخ مثبت از جانب این کشورها به تلاش‌های دولت روحانی در زمینه احیای روابط شکل نگرفت. بیگدلی در ادامه می‌گوید: ضمن آنکه ما نباید فراموش کنیم در آن سال‌ها زمان زیادی از اعدام شیخ نمر، حمله به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد و همچنین حمله سعودی‌ها در کنار امارات متحده عربی، مصر، بحرین و… به یمن نمی‌گذشت. بنابراین به موازات مخالفت داخلی با هرگونه اقدام و تصمیم دولت روحانی در عرصه

سیاست خارجی، فضا برای ازسرگیری روابط کشورهایی مانند امارات با ایران هم مهیا نبود.

باین‌حال ساداتیان مسائل دیگری را برای انتخاب این بازه زمانی از سوی امارات در جهت احیای روابط با ایران در دولت رئیسی برمی‌شمارد که به تحولات سیال در حوزه سیاست خارجی در منطقه خاورمیانه اشاره دارد. در این رابطه سفیر پیشین ایران در انگلستان خاطرنشان می‌کند که گذشت نزدیک به هشت سال از جنگ یمن و تشدید هزینه‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و به‌خصوص امنیتی برای همه کشورها، از خود یمن گرفته تا عربستان، امارات و حتی ایران، باعث شده است ابوظبی در این برهه و مقطع، نهایتاً ازسرگیری روابط با تهران را برای تحقق منافع و امنیت خود کلید بزند. بنابراین مسئله به دولت روحانی یا رئیس‌جمهوری می‌گردد، بلکه این مهم بیشتر ناشی از آثار، تبعات و همچنین اقتضانات دیپلماتیک و امنیتی منطقه خاورمیانه است؛ البته ساداتیان در ادامه این نکته را هم گوشزد می‌کند که تلاش‌های امارات متحده عربی و ابراز تمایل ابوظبی برای ازسرگیری روابط با تهران از پیش از آغاز به کار دولت رئیسی و در همان ماه‌های پایانی دولت روحانی به موازات مذاکرات بین مطرح بود. نماینده پیشین مجلس در ادامه گفته‌های خود با «شرق»، به شکست آزمون و خطای امارات متحده عربی در استفاده از اهرم آمریکا نیز گریزی می‌زند و در این رابطه عنوان می‌کند که عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و … هم در دولت دونالد ترامپ و هم در دولت جو بایدن سعی کردند از اهرم فشار کاخ سفید به‌خصوص در حوزه تحریم‌ها و سیاست فشار حداکثری برای تعدیل سیاست‌های منطقه‌ای ایران استفاده کنند، ولی چون نهایتاً این مهم تاکنون میسر نشده است، کشورهای منطقه از اردن و مصر تا عربستان و امارات و حتی اخیراً بحرینی‌ها در این مقطع دست به تغییر نگرش و برنامه‌های خود در قبال ایران رده‌اند و تلاش دارند تا از دالان احیا و ازسرگیری روابط خود با جمهوری اسلامی، تبعات سیاست منطقه‌ای تهران را به حداقل برسانند.

احیای روابط با چراغ سبز ریاض است یا بدون اذن عربستان؟

در ادامه رمزگشایی از چرایی امارات در جهت احیای روابط با ایران و انتخاب این مقطع زمانی برای ازسرگیری مناسبات، سؤال مهم‌تری که مطرح می‌شود ناظر بر نقش عربستان در این رابطه است؛ به‌ویژه آنکه تلاش‌های دیپلماتیک هم‌زمانی از سوی سعودی‌ها برای احیای روابط با ایران، ذیل نشست بغداد در حال جریان است. هرچند با گذشت بیش از پنج دور بحث‌و‌گوها بین مقامات دو کشور (ایران و عربستان) در پایتخت عراق، هنوز ازسرگیری روابط تهران – ریاض چشم‌انداز روشنی ندارد، ولی امارات متحده عربی خود را برای بازگشت روابط کامل دیپلماتیک با جمهوری اسلامی در سطح سفیر آماده می‌کند و به موازاتش اردنی‌ها و مصری‌ها نیز خواهان احیای روابط با ایران هستند. به همین دلیل این گزاره تحلیلی مطرح است که آیا ابوظبی، امان و قاهره با اتخاذ سیاست خارجی مستقل از ریاض خواهان احیای روابط با تهران هستند یا اینکه اساسا دور تازه رویکرد مثبت کشورهای عربی منطقه برای برقراری روابط با ایران را باید پروژه‌ای با مدیریت سعودی‌ها در نظر گرفت؟ به دنبال این سؤال باید پرسش مهم‌تری را مطرح کرد؛ اینکه آیا امارات بدون چراغ سبز عربستان به دنبال روابط با ایران است یا خیر؟

ساداتیان در ادامه گپ‌وگفت خود، پاسخ پرسش فوق را با تمرکز بر نفی انطباق کامل سیاست خارجی ابوظبی با ریاض می‌دهد. از این منظر، سفیر پیشین ایران در انگلستان بر این باور است که امارات متحده عربی اگرچه در ادوار مختلف سعی کرده به‌عنوان یکی از بازیگران همراه، همسو و حامی سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه و جهان عمل کند، اما در همین مدت اختلاف‌نظرهای

جدی بین ریاض و ابوظبی در مسائل مختلف از جنگ یمن گرفته تا مسائل مربوط به شورای همکاری خلیج فارس مطرح بوده است. بنابراین نمی‌توان گفت عربستان سعودی و امارات متحده عربی در یک انطباق کامل، ذیل حوزه سیاست خارجی به سر می‌برند؛ کم‌اینکه دیگر کشورها مانند اردن و مصر نیز با وجود همراهی و همسویی با سیاست خارجی عربستان سعودی، تلاش دارند در سایه یک استقلال سیاسی، عملاً روابط با ایران را از سر بگیرند. نماینده پیشین مجلس در ادامه بر این نکته تاکید دارد که امارات متحده عربی از جمله کشورهایی بوده است که در زمان تحریم توانست منافع و سود سرشاری را از محدودیت‌ها و فشار سیاسی و اقتصادی به ایران متوجه خود کند. باین‌حال قطع روابط با ایران نیز آثار مخربی بر ابوظبی در پی داشته است؛ چراکه جمهوری اسلامی ایران سطح درخور توجهی از مناسبات مالی، آرزوی و اقتصادی را از مسیر امارات برای خود تعریف کرده بود. بنابراین امارات در شرایط کنونی بعد از جنگ اوکراین و تأثیراتش در منطقه و جهان، سعی دارد بدون توجه به مناسبات حسنه‌ای که با عربستان دارد، ازسرگیری روابط با ایران را در دستور کار قرار دهد. البته این مسئله لزوماً به معنای آن نیست که اماراتی‌ها به بهای مخدوش‌کردن روابط خود با سعودی‌ها تلاش خواهند کرد مناسباتشان را با جمهوری اسلامی ایران احیا کنند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم، امارات متحده عربی مانند قطری‌ها و عمانی‌ها سعی می‌کند با همه کشورها، بازیگران و مهره‌های تأثیرگذار منطقه روابط خود را تقویت کند؛ بنابراین به همان اندازه که مناسبات خود را با عربستان، اسرائیل و ترکیه تقویت کرده است، از آن سوا ازسرگیری روابط با سوریه و جمهوری اسلامی ایران را نیز پیش می‌برد.

سفیر پیشین انگلستان در ادامه تحلیل خود باآر می‌شود که هیچ توجیه و منطق عقلانی هم وجود ندارد زمانی که عربستان سعودی با برگزاری پنج دور نشست در پایتخت عراق خواهان ازسرگیری روابط با ایران است، امارات متحده عربی، اردن، مصر و دیگر کشورها هم دست روی دست بگذارند و با انفعال و هدردادن فرصت‌ها به نوعی خود را از امتیازات احیای روابط با تهران محروم کنند.

در مقابل علی بیگدلی خوانوشی متفاوت از ساداتیان دارد و در ادامه گفت‌وگوی خود با «شرق» هشدار می‌دهد: به همان اندازه که می‌توان رویکرد مستقل در عرصه سیاست خارجی امارات متحده عربی را موتور محرکه تلاش‌های ابوظبی برای احیای روابط با تهران دانست، باید این سناریوی احتمالی را هم در نظر داشت که پشت پرده تمایل پررنگ اماراتی‌ها و چراغ سبز اردنی‌ها و مصری‌ها برای احیای روابط با ایران، به سعودی‌ها باز گردد؛ چراکه ریاض سعی دارد از طریق احیای روابط این کشورها با تهران، عملاً به مدیریت تحرکات منطقه‌ای تهران دست پیدا کند؛ خاصه آنکه انتظار و فصل مشترک تمام کشورهای منطقه خاورمیانه از عربستان و امارات تا بحرین، مصر اردن و… نه به پرورده فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بلکه به نفوذ منطقه‌ای موشکی و توان دفاعی جمهوری اسلامی بازمی‌گردد. در این بین تنها اسرائیل است که همسو با ایالات متحده آمریکا در وهله اول سعی در مدیریت پرورده فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارد. بیگدلی در ادامه همین تحلیل بیان می‌دارد که اگر ما مدردصی، حتی اندک را برای احتمال پروژه‌بدون ازسرگیری روابط با ایران قائل شویم، باید نشست بغداد را هم یک بازی سیاسی از جانب سعودی‌ها برای مدیریت ایران در حوزه منطقه‌ای و دفاعی در نظر گرفت؛ به‌ویژه آنکه در ماه‌های اخیر و در جریان سفر بایدن به منطقه، مسائلی مانند طرح پدافند مشترک منطقه‌ای ایران و اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس با طرح ناتوی عربی – اسرائیلی مطرح شد که نشان می‌دهد ادعاها و مواضع برخی کشورها درباره ازسرگیری روابط با ایران صرفاً با هدف خرید زمان مطرح شده است.



روابطی شکننده یا مستحکم؟

با وجود ابراز تمایل جدی طرف ایرانی و به‌خصوص اماراتی‌ها درباره احیای روابط دو کشور، نباید این واقعیت را هم از نظر دور داشت که اختلافات و تعارض منافع بین طرفین کماکان به قوت خود باقی است؛ بر این اساس بازگشت سفرای دو کشور نمی‌تواند خبر از روابطی مستحکم بین تهران و ابوظبی دهد. در این رابطه ساداتیان و بیگدلی در یک موضع‌گیری مشترک ادعان دارند که ازسرگیری روابط ایران و امارات متحده عربی به معنای شکل‌گیری روابطی مستحکم بین دو طرف نیست. اما سفیر پیشین ایران در ادامه گفت‌وگوی خود با «شرق» قدری محتاطانه با مسئله برخورد می‌کند و به‌کاربردن روابط «شککننده» بین تهران و ابوظبی خودداری و بیان می‌کند که علاقه وافر دو طرف برای ازسرگیری روابط اگرچه نمی‌تواند به اختلافات دو کشور پایان دهد، اما می‌تواند زمینه مثبتی برای عبور دو کشور از روابط شکننده به وجود آورد. بنابراین روابط فعلی جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی به‌خصوص بعد از بازگشت نه یک رابطه شکننده خواهد بود و نه مناسباتی کاملاً مستحکم و حسنه، بلکه یک رابطه «نیمه‌مستحکم» را به دنبال دارد.

اما علی بیگدلی تاکید دارد با وجود تداوم جنگ یمن و همچنین مخالفت‌های گسترده امارات متحده عربی با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، ازسرگیری روابط بین دو کشور و حتی بازگشت سفرای دو کشور، روابط کنونی ایران و امارات را از مرز «شککننده» خارج نمی‌کند، بنابراین با کوچک‌ترین اتفاق و رویدادی، چه به صورت برنامه‌ریزی‌شده و چه برنامه‌ریزی‌نشده امکان دارد دوباره روابط تهران – ابوظبی به نقطه صفر و حتی بدتر از آن بازگردد. اما علی بیگدلی تاکید دارد با وجود تداوم جنگ یمن و همچنین مخالفت‌های گسترده امارات متحده عربی با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، ازسرگیری روابط بین دو کشور و حتی بازگشت سفرای دو کشور، روابط کنونی ایران و امارات را از مرز «شککننده» خارج نمی‌کند، بنابراین با کوچک‌ترین اتفاق و رویدادی، چه به صورت برنامه‌ریزی‌شده و چه برنامه‌ریزی‌نشده امکان دارد دوباره روابط تهران – ابوظبی به نقطه صفر و حتی بدتر از آن بازگردد. اما علی بیگدلی تاکید دارد با وجود تداوم جنگ یمن و همچنین مخالفت‌های گسترده امارات متحده عربی با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، ازسرگیری روابط بین دو کشور و حتی بازگشت سفرای دو کشور، روابط کنونی ایران و امارات را از مرز «شککننده» خارج نمی‌کند، بنابراین با کوچک‌ترین اتفاق و رویدادی، چه به صورت برنامه‌ریزی‌شده و چه برنامه‌ریزی‌نشده امکان دارد دوباره روابط تهران – ابوظبی به نقطه صفر و حتی بدتر از آن بازگردد.

احیای روابط کشورها با ایران نتیجه سیاست خارجی دولت سیزدهم است یا تحولات منطقه‌ای و جهانی؟

با آغاز به کار دولت سیزدهم، شعار اصلی سیاست خارجی دولت رئیسی بر تعمیق مناسبات منطقه‌ای به‌خصوص با همسایگان قرار گرفت. به همین دلیل طیفی از کارشناسان و رسانه‌های داخلی به‌ویژه جریان حامی دولت، اتفاقاتی نظیر تلاش امارات برای احیای روابط با ایران، برگزاری نشست بغداد با هدف ازسرگیری مناسبات تهران – ریاض بی مواضع مثبت اردن و مصر برای برقراری روابط با جمهوری اسلامی را نتیجه این سیاست خارجی موفق دولت سیزدهم می‌دانند. در این خصوص، هم سفیر پیشین ایران در انگلستان و هم استاد دانشگاه شهید بهشتی باز هم در یک نگاه مشترک اعتقاد دارند آنچه باعث شده کشورهای حاشیه خلیج فارس به سمت احیای روابط با ایران گام بردارند، نه سیاست خارجی دولت سیزدهم بلکه تأثیر تحولات منطقه‌ای و جهانی به‌خصوص بعد از جنگ اوکراین است؛ بنابراین هر دولتی که در انتخابات ۱۴۰۰ روی کار می‌آمد، نهایتاً شاهد تمایل کشورهای منطقه برای برقراری روابط با ایران می‌بودیم. از این نظر ساداتیان تاکید دارد که کشورهای منطقه‌ای و جهانی با شناخت کامل بر تحولات و اقتضانات سیاست داخلی ایران به این واقعیت غیرقابل انکار پی برند که باید است منطقه خاورمیانه و جمهوری اسلامی در دستور کار قرار بگیرد، نه دولت‌های ایران؛ چراکه دولت‌ها از هر طیف و جناحی، عنصر تعیین‌کننده در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران نیستند و صرفاً مجری اسناد بالادستی هستند. به موازات این نکته، علی بیگدلی نیز ادعان دارد که بی‌شک، نه سیاست خارجی منطقه‌ای دولت سیزدهم، بلکه شرایط بعد از جنگ اوکراین و تأثیر تداوم این جنگ بر فضای منطقه خاورمیانه و کل جهان باعث شده است کشورهای منطقه احیای روابط با ایران را در دستور کار قرار دهند؛ چراکه تهران به‌عنوان بازیگر همسو با مسکو عمل می‌کند.

درد برای کاهش نگرانی سهامداران بورس چه کرده‌اند؟. در بررسی وضعیت قضائی کشور هم در این بیانیه تاکید شده: «امروز به‌طور مشخص بازداشت‌های اخیر فعالان سیاسی و صنفی این نگرانی را دامن می‌زند که حتی توصیه‌های اصلاح‌گرایانه رئیس قوه قضائیه در قوه قضائیه به کار بسته نمی‌شود.دورماندن از ورود به منازعات و رقابت‌های سیاسی، برگزاری علنی دادگاه‌های سیاسی به‌عنوان یکی از شروط دادرسی عادلانه، حفظ استقلال قضات و تعیین حدود قضائی چارچوب‌مند برای سابطان قضائی، حفظ حقوق شهروندی متهمان، دفاع از آزادی‌های مدنی، به رسمیت شناختن اعتراض‌های مسالمت‌آمیز شهروندان (کارگران، معلمان، بازنشستگان، اصناف، دانشجویان و…)، نظارت مؤثر بر عملکرد قضات دادگستری و برخورد قاطع و بدون اغماض با تخلفات درونی سیستم قضائی از عواملی است که جایگاه قوه قضائیه را ارتقا داده و در افکار عمومی، حس فسادستیزی غیرنمایان را ایجاد می‌کند. درعین‌حال از ریاست محترم دستگاه قضائی چنانچه خود نیز به آن اشاره داشته‌اند انتظار می‌رود در مقابل رفتارهای خودسرانه‌ای که شان و حیثیت دستگاه قضائی را خدشه‌دار می‌کند، واکنش صریح و قانونی نشان داده و اجازه ندهد بی‌قانونی‌های یک مقام استانی، عملکرد و کارنامه مجموعه قضات شریف دستگاه قضائی را زیر سؤال ببرد». حزب ندای ایرانیان نگرانی خود را از بابت سخت‌گیری‌های اجتماعی نیز در این بیانیه ابراز کرده و هشدار داده است: «استمرار سخنان نفرت‌برانگیزانه از تریبون‌های رسمی علیه بانوان شریف و نجیب کشور و رفتارهای تند و زننده مأموران گشت ارشاد با دختران این سرزمین، جز ایجاد دوقطبی و تشدید منازعات اجتماعی و روبرایی‌های نگران‌کننده، حاصل دیگری به همراه نخواهد داشت. جای تأسف دارد که جریان اصولگرا همواره در ایام انتخابات با شعارهای معیشتی و طرح وعده‌های اقتصادی از مردم رای می‌گیرد اما به محض پیروزی در انتخابات، اولویتش ایجاد محدودیت فرهنگی و اجتماعی می‌شود. به‌طور مشخص از وزیر محترم کشور و فرماندهی نیروی انتظامی می‌خواهیم دستور توقف فعالیت ارشاد را صادر نمایید.»

چه کرده و چه رویکردهای اصلاحی را در دستور کار قرار داده تا باز هم در انتخابات‌های آینده شاهد چنین اتفاق‌های تلخی نباشیم». در بند دیگری از بیانیه نیز تاکید شده: «به اعتقاد حزب ندای ایرانیان، متأسفانه مجلسی که داعیه انقلابی بودن داشت از روز اول درگیر حاشیه‌های خودساخته شد، برنامه منسجمی برای پیشبرد امور نظارتی و تقنینی نداشت و برخلاف شعارها و ادعاها برخی ریسکی به مشکلات معیشتی مردم، توانست کوچک‌ترین قدمی برای کاهش مشکلات اقتصادی کشور بردارد و در نهایت بدون آنکه حتی طرح شفافیت آرای نمایندگان به نتیجه‌ای برسد، طرح ضد مردمی صیانت را علیه اینترنت و حقوق کاربران ارائه کرد». در ادامه نقد وضعیت موجود نیز در بیانیه آورده شده: «یک سال از روی کار آمدن دولت انقلابی می‌گذرد. در ماه‌های گذشته در مناصب مدیریتی شاهد حضور پررنگ جریان‌های هستیم که خود را جوانان مؤمن و انقلابی می‌پندارد. کرسی و مسئولیتی باقی نمانده که توسط این مدعیان کار جهادی فتح نشده باشد. درعین‌حال هماهنگی بی‌نظیر همه ارکان و همه ارگان‌ها برای پیشبرد برنامه‌های دولت، این انتظار را ایجاد کرده بود که بی‌هیچ مانع و داعی، شاهد به ثمر نشستن برنامه‌های وعده‌دهاده‌شده باشیم. باین‌حال، علی‌رغم وعده‌های رنگارنگ ایام انتخابات درخصوص بهبود وضع معیشت مردم، کاهش تورم، تقویت بورس، بهبود ارزش پول ملی و افزایش اشتغال، این روزها شاهدیم که اوضاع اقتصادی به مراتب نگران‌کننده‌تر از قبل شده. سفره‌های مردم کوچک و کوچک‌تر شده و خبری از تحقق وعده‌های رئیس‌جمهور و همراهانش نیست. به‌عنوان تنها یک نمونه، قرار بود ظرف یک سال، یک میلیون واحد مسکونی و در مجموع چهار سال چهار میلیون واحد مسکونی تحویل مردم داده شود. حزب ندای ایرانیان از دولت محترم می‌خواهد روشن و صریح در مورد سرانجام این وعده انتخاباتی توضیح داده و مشخصاً اعلام کند تا به حال چه تعداد واحد مسکونی در کدام نقطه این کلنگ‌زنی شده و به صورت واقعی چه گام‌هایی برای حل بحران مسکن برداشته شده است؟ همچنین از دولتی که اعضای کابینه‌اش پیش از انتخابات وعده داده بودند مشکلات بورس را سرورزه می‌توانند حل کنند، این سؤال وجود